

پیشنهاد افزایش یک میلیونی دستمزد کارگران

محمدرضا منصوری، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس تاکید کرده، برخی نمایندگان پیشنهاد داده‌اند دریافتی کارگران در سال آینده یک میلیون تومان افزایش یابد. به گفته نماینده مردم ساوه و زنبدیه در مجلس در حال حاضر به‌دلیل کاهش ارزش پول ملی، حقوق کارگران به کمتر از ۱۰۰ دلار کاهش یافته و قدرت خرید پایین آمده که تقریباً در چهاردهه اخیر بی‌سابقه است. او تاکید کرده، افزایش ۲۰ درصدی حقوق نیروهای کار در سال ۹۸، حداقل میزانی است که باید به درآمدها افزوده شود و بر همین اساس نمایندگان پیشنهاد داده‌اند حقوق‌ها سال آینده یک میلیون تومان افزایش یابد که باید دید سرانجام این پیشنهاد در جریان بررسی بودجه‌۹۸ در صحن علنی چه می‌شود. منصوری با بیان اینکه حتی افزایش یک میلیون تومانی نیز کمک چندانی به بهبود معیشت کارگران نخواهد کرد، گفته باید با افزایش بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های نو، افزایش صادرات، منابع درآمدی لازم برای پوشش افزایش حقوق نیروهای کار شاغل در واحدهای تولیدی ایجاد شود و کارفرمایان نیز بهتر است برای بهبود کیفیت تولیدات خود با پاداش و پرداختی‌های انگیزشی، دریافتی کارگران را افزایش دهند تا از این طریق بهره‌برداری نیروی کار افزایش یابد.

دستمزد‌ها شناور شود

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اشاره به نوسانات قیمتی ماه‌های گذشته گفته بهترین حالت در تعیین حقوق و دستمزد، شناورسازی مزد است. رضا شیران‌خراسانی در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا» با یادآوری نوسانات قیمتی بعضاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصدی در سال جاری گفته باید با روشی جدید عقب‌ماندگی‌های مزدی نیروهای کار را جبران کرد. نماینده مشهد و کلات با اشاره به بند دوم ماده ۴۱ قانون کار گفت: «با توجه به تورم ایجاد شده و بالا رفتن قیمت کالاها، امسال باید در رویکردهای معمول و مرسوم تعیین دستمزد تجدیدنظر کرد و روشی تازه در پیش گرفت تا کارگران که همه‌با تولید و زحمت خدمات کشور برعهده آن‌هاست به حداقل واقعی قیمت دستمزدشان یعنی سه میلیون و ۷۵۹ هزار تومان دست یابند. به اعتقاد این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هم‌اینک متوسط سهم دستمزد در تولید به ۵/۶۶ درصد رسیده، اما در روش شناورسازی دستمزد، با توجه به سهم دستمزد در قیمت تمام‌شده تولید، هم‌زمان با رشد قیمت‌ها، سهم دستمزد هم باید افزایش یابد.

احتمال تعیین مزد تا پایان اسفند

رئیس فراکسیون کارگری مجلس گفته است با وجود اکره نمایندگان کارفرمایان و دولت از ارائه پیشنهاد برای افزایش حقوق کارگران در سال ۹۸، فعلاً تکلیف دستمزد و مزایای نیروهای کار تا پایان اسفند ماه مشخص خواهد شد. علیرضا محجوب در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایسنا» که موضوع آن آخرین وضعیت تعیین میزان افزایش حقوق کارگران بوده، گفته با وجود اینکه هنوز رقم سبد هزینه معیشت خانوارهای کارگری مشخص شده، بحث حقوق کارگران در سال آینده به نتیجه نهایی نرسیده است. به گفته محجوب، بعد از تعیین تکلیف وضعیت سبد هزینه کارگران، دستمزد مشخص می‌شود. وی با بیان اینکه رقم پیشنهادی رقم سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان برای سبد هزینه معیشت کارگران به‌صورت علمی محاسبه شده، اضافه کرد: «انتظار می‌رود طرفین دولتی و کارفرمایی نیز برای رقم سبد هزینه معیشت کارگران به جمع‌بندی نهایی برسند و در مرحله بعد نیز درباره حقوق و دستمزد‌ها به تصمیم مشترک جمعی برسیم.»

طرح ضابطه‌مند کردن واگذاری‌ها در راه مجلس

نمایندگان مجلس طرحی دو فوریتی برای ابطال قرارداد واگذاری بنگاه‌های اقتصادی دولتی موضوع اصل ۴۴ قانون اساسی تدوین کرده‌اند. هدف از این طرح که به گفته علیرضا رحیمی، نماینده مردم تهران، در مجلس به‌زودی به هیئت‌رئسه ارسال می‌شود، «سروسامان دادن به واگذاری‌ها، ابطال آن دسته از واگذاری‌هایی که در آن فساد رخ داده و بازگردانی بنگاه‌های خسارت‌دیده به دولت اعلام شده است، در ماه‌های اخیر گزارش‌های فراوانی منتشر شد که ظاهراً در فرایند واگذاری‌ها، قیمت‌گذاری و اهلیت‌سنجی خریداران شرکت‌های دولتی مشمول واگذاری تخلفاتی صورت گرفته است.

۶۰۰ کتبی‌نو



مقوله سرمایه‌گذاری با مفهوم و پدیده بیمه عجین است و می‌توان گفت صنعت بیمه بدون سرمایه‌گذاری معنایی ندارد. این موضوع در بیمه‌های تجاری نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، اما در بیمه‌های اجتماعی به‌لحاظ گستره زمانی تعهدات بیمه‌گر و مزایای بیمه‌ای جایگاه سرمایه‌گذاری از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل در ماده یک قانون تأمین اجتماعی، مقوله سرمایه‌گذاری ذخایر بیمه‌ای به‌عنوان یکی از محورهای اصلی فعالیت و فلسفه وجوبی و وجودی سازمان تأمین اجتماعی مطرح شده و در ماده ۲۸ همان قانون و ماده ۴ اساس‌نامه سازمان تأمین اجتماعی نیز که به احصای منابع درآمدی سازمان مزبور پرداخته، دومین منبع درآمدی پس از حق بیمه را «در آمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان» قلمداد کرده است. در ماده ۵ اساس‌نامه نیز «جمع‌آوری و تمرکز وجوه و درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه و ذخایر جزء وظایف و اختیارات ارکان سازمان محسوب شده است. به‌طور مشخص وفق ماده ۵۲ قانون یاد شده، نحوه تمرکز ذخایر مشخص و تعیین شده است: «مانده درآمد پس از وضع مخارج و تمامی درآمدهای حاصل از خسارات و زیان درگیرکرد بهره سپرده‌ها و سود اوراق بهادار و سود سرمایه‌گذاری‌ها و درآمدهای حاصل از فروش یا واگذاری یا بهره‌برداری از اموال سازمان کلاً به حساب ذخایر منظور خواهد شد.» مقنن در ماده ۵۲ قانون تأمین اجتماعی نیز نحوه سرمایه‌گذاری ذخایر را معین کرده بود: «ذخایر سازمان نزد بانک رفاه کارگران متمرکز خواهد شد، بانک مذکور ذخایر مزبور را تحت نظارت هیئتی با تصویب شورای عالی سازمان به کار خواهد انداخت. بنابراین توجه به سرمایه‌گذاری در قوانین مادر مرتبط با سازمان تأمین اجتماعی از بدو تاسیس این

سازمان مدنظر بوده است. به‌طوری که در شرح مذاکرات شورای اقتصاد در سال ۱۳۵۴ درباره تدوین و تصویب قانون تأمین اجتماعی، بحث ضرورت ساماندهی سرمایه‌گذاری‌های سازمان تأمین اجتماعی در قالب یک بنگاه مجزا مطرح بوده است. در اواخر دهه پنجاه، بانک رفاه کارگران که متعلق به کارگران و بیمه‌شدگان و به‌طور واقع ملی بود، دولتی شد و مدیریت آن از دست سازمان تأمین اجتماعی خارج شد. در آن زمان متأسفانه از اعمال سود حداقلی بانک‌ها به سپرده‌های سازمان نیز به این بهانه که سپرده‌های مزبور دولتی است خودداری می‌شد، بنابراین تلاش‌ها برای ایجاد یک بخش سرمایه‌گذاری مستقل برای به کار انداختن ذخایر جدی‌تر که در نهایت در سال۶۵ این اتفاق افتاد و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) در قالب شرکت سهامی خاص تاسیس شد. نقطه عزیمت فعالیت شرکت

مزبور با اجرای تبصره ۸۲ (تهارت اموال و سهام و املاک دولت بابت تأدیه قرض پنج میلیارد تومانی دولت برای مخارج جنگ) بود. به‌علاوه باید به سرمایه‌گذاری از محل ذخایر سازمان و نیز اموال تهارتی کارفرمایان بابت تأدیه بدهی، همچنین واگذاری سهام شرکت‌ها بابت تهارت مطالبات سازمان از دولت در اوایل دهه ۸۰ اشاره کرد. دولتی‌شدن بانک رفاه در سال ۱۳۵۸ و پرداخت نشدن سود متناسب به سپرده‌های سازمان تأمین اجتماعی نزد بانک‌ها، همچنین عدم اعمال سود برای بدهی‌های دولت و اجرا نشدن به‌موقع مصوبه شورای اقتصاد و تبصره بودجه سال ۱۳۵۷ کل کشور درباره ایجاد شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی و... باعث شد که طی دو دهه ۵۰ و ۶۰ اقدام مناسبی برای حفظ و ارتقای ارزش ذخایر سازمان تأمین اجتماعی صورت نگیرد و این دیر گامی سازمان تأمین اجتماعی در ورود به عرصه سرمایه‌گذاری روی ذخایر، لطمات زیاد و جبران‌ناپذیری را به ساختار منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی وارد کرد.

■ در ضرورت سرمایه‌گذاری

هر سازمان بیمه‌گر از یک طرف به منظور پوشش تعهدات آتی در قبال شرکای خود و از طرف دیگر برای جلوگیری از کاهش ارزش وجوه، اموال و ذخایر اندوخته‌گذاری شده و پوشش اثرات توری و تغییرات پایه پولی، نیازمندیک بخش سرمایه‌گذاری قوی و روزآمد است. اگرچه میزان توجه و اهمیت مقوله ذخیره‌گذاری، اندوخته‌گیری و سرمایه‌گذاری روی ذخایر و اندوخته‌ها، بسته به‌نوع و روش انتخابی «تأمین مالی» طرح‌های تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی است و معمولاً نیز در «نظام ارزیابی سالانه»، نقش سرمایه‌گذاری بسیار نازل و در حد صفر فرض می‌شود. با این حال در «نظام ذخیره‌سازی کامل» به نهایت خود می‌رسد و مفروض است که کل مصارف آتی بیمه‌گر را بایستی پوشش دهد.

در شرایط و ساختار اقتصادی کشورهایی نظیر ایران، حتی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه تجاری که غالباً دارای تعهدات جاری و میان‌مدت هستند نیز به سمت سرمایه‌گذاری و بنگاه‌داری و ملک‌داری روی می‌آورند. سازمان تأمین اجتماعی نه تنها از این امر مستثنی نیست، بلکه هم به حکم قانون و هم به حکم اصول و قواعد بیمه‌های اجتماعی به‌ویژه با توجه به ساختار اقتصادی کشور و بنا بر اقتضا به‌دلیل وصول بدهی‌های خود از دولت و کارفرمایان، باید از بخش اقتصادی قوی و کارآمدی برخوردار باشد.

به هرتقدیر روش تأمین مالی سازمان تأمین اجتماعی عبارت است از: «نظام بازنشستگی براساس حقوق تعریف‌شده (DB) که در آن حق بیمه‌های شاغلان در یک نسل، صرف پرداخت حقوق بازنشستگی یا مستمری نسل قبل می‌شود. در تمامی نظام‌های تأمین

مالی DB برای حفظ ارزش اندوخته‌ها و ذخایر، آن‌ها را سرمایه‌گذاری می‌کنند، ولیکن اساس تعادل منابع و مصارف در این صندوق‌ها با تنظیم عوامل مؤثر بر منابع و مصارف صورت می‌گیرد و سعی می‌شود از اندوخته‌ها و ذخایر برای پرداخت مصارف استفاده نشود و عایدات آن مجدداً صرف سرمایه‌گذاری شود. نتیجه آنکه در نظام فلی تأمین مالی به کار رفته در سازمان تأمین اجتماعی، نباید انتظار داشت که بخش اقتصادی و سرمایه‌گذاری بتواند تأمین‌کننده کل یا بخش اعظم مصارف سازمان باشد و باید روی مؤلفه‌ها و متغیرهای دیگر حساب باز کرد. به‌عبارت دیگر وقتی یک صندوق بیمه‌گر اجتماعی چرخه عمر خود را طی می‌کند و نسبت وابستگی آن کاهش می‌یابد، بایستی یا به سمت انجام اصلاحات پارامتریک حرکت کند یا تعداد بیمه‌پردازان خود را افزایش دهد. متأسفانه در خصوص سازمان تأمین اجتماعی نه تنها اصلاحات پارامتریک صورت نگرفته، بلکه طی دو دهه اخیر با تصویب و اجرای قوانین مغایر با اصول و قواعد بیمه‌ای، در جهت عکس عمل شده و شتاب بیشتری به



خروجی‌های صندوق داده شده است.

■ تعیین تکلیف برای اموال عمومی غیردولتی

طبق قانون و بنابر ماهیت سازمان تأمین اجتماعی، تمام دارایی‌ها و ذخایر آن جزء «اموال عمومی» است و سازمان نیز یک «نهاد عمومی غیردولتی» است که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را شبه‌دولتی دانست. متأسفانه بسیاری از نمایندگان، مسئولان و دست‌اندرکاران که در مقابل رشد تصاعدی سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های دیگر – که اساساً سرمایه‌گذاری جزء وظایف قانونی آن نیست – سکوت اختیار کرده و می‌کنند، اما در مقابل تأدیه مطالبات سنواتی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در قالب واگذاری سهام به سازمان تأمین اجتماعی مقاومت می‌کنند و را شبه‌دولتی می‌خوانند.

نکته این است که این افراد در باره پدیده‌ای به‌نام غلبه بخش‌های غیرعمومی و تعاونی بر اقتصاد کشور – که اساسی، قانون‌تشکیل و وظایف ذاتی آن‌ها اندوخته‌گذاری نیست – عکس‌العملی نشان نمی‌دهند اما عمومی‌ترین و تعاونی‌ترین نوع تملک سهام که نفع آن به بیش از نصف جمعیت ایران می‌رسد را شبه‌دولتی می‌خوانند و با هیاهو و جنجال مانع از این می‌شوند که دولت بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی را در قالب تهارت و واگذاری سهام تأدیه کند. با اکنون که دولت به حکم قانون برنامه‌توسعه می‌خواهد نسبت به تأدیه بدهی‌های خود به سازمان تأمین اجتماعی اقدام کند، با بزرگ‌کردن غیرواقعی شستا و نادیده‌گرفتن سایر بخش‌های اقتصادی غیرعمومی و غیر تعاونی مانع این اقدام می‌شوند. این نکته را نباید نادیده گرفت که عملکرد موفق شستا طی سال‌های فعالیت خود و شکل دهی، یکی از بهترین پرتقوهای سرمایه‌گذاری کشور به‌رغم مضایق و محدودیت‌های موجود، موجب شده تا رقایی آن که نمی‌توانند در عرصه رقابت‌های اقتصادی با شستا مقابله کنند، با اطلاق شبه‌دولتی به این مجموعه «عمومی غیردولتی» سعی می‌کنند به طریق دیگری کار خود را پیش ببرند. بدیهی است این نوشته در پی دفاع از عملکرد افراد یا مجموعه‌های مدیریتی سابق و لاحق سازمان تأمین اجتماعی و شستا نیست، بلکه نگارنده قصد دارد از دفاع از کلیت فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی، توجه نظام‌های تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرایی کشور را به این نکته مهم جلب کند که سرمایه‌گذاری‌های سازمان تأمین اجتماعی از جمله عمومی‌ترین سرمایه‌های کشور در قالب یک تعاونی فراگیر و متشکل از ۴۲ میلیون نفر نیروهای مولد و تلاشگر کشور است. در بیشتر کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای پیشرفته تلاش می‌شود بخش‌های اقتصادی رانتی خود و بخش‌های پر بازده سرمایه‌گذاری‌های دولتی را به سازمان‌های تأمین اجتماعی خود بدهند، چراکه منافع حاصل از رانت مزبور به تعداد بیشتری



یکشنبه ● ۱۲ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و سه

A T I Y E H N O

فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری یا بنگاه‌داری؟

از جمعیت کشور می‌رسد. بسیار جای تاسف است در ایران در حالی که ترجیح سازمان تأمین اجتماعی بر این است که مطالبات خود از دولت را در قالب پول نقد وصول کند تا بتواند با اختیار کامل آن را سرمایه‌گذاری کند، در عمل دولت توان یا تمایل پرداخت نقدی بدهی‌هایش را ندارد. از طرف دیگر سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد عمومی غیردولتی است که براساس اصل سه‌جانبه‌گرایی اداره می‌شود و نمی‌توان آن را به بهانه واهی شبه‌دولتی بودن از حقوق و مطالبات قانونی خود محروم کرد. مشخص نیست در حالی که سایر صندوق‌های بازنشستگی و بیمه اجتماعی دولتی نظیر کشوری، لشکری، روستایی و... شرکت‌های دولتی بیمه‌تجاری، بانک‌های دولتی و... نیز دارای بخش‌های سرمایه‌گذاری قابل توجهی هستند، چرا آن‌قدر حساسیت و هیاهو در قبال سازمان تأمین اجتماعی و شستا که اموال و سرمایه‌های آن متعلق به ۴۲ میلیون نفر از آحاد جامعه است و اصلاً قابل قیاس با بخش‌های غیرعمومی فعال در عرصه بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری کشور، نیست، دامن زده می‌شود؟

■ مقتضیات «آری به سهام‌داری، نه به بنگاه‌داری»

براساس اصول و قواعد بیمه‌ای و تجارب علمی و عملی دنیا، سرمایه‌گذاری‌های سازمان‌های تأمین اجتماعی باید از نوع سیال (Liquid Capital) باشد. یعنی اینکه سرمایه‌گذاری‌های سازمان تأمین اجتماعی در عین حالی که باید سودآور و زودبازده باشند، باید از قدرت نقدشوندگی بسیار بالایی برخوردار باشند. به همین مناسبت از سال‌ها پیش، مجلس و دولت و شورای عالی تأمین اجتماعی (هیئت‌امنا) و وزارتخانه متولی سازمان تأمین اجتماعی، به شستا دیکته کردند که باید از شرکت‌داری احتراز کرده و بکوشد در شرکت‌ها سهام غالب مدیریتی نداشته باشد. این قید در بورس اوراق بهادار هم وجود دارد که سهام یک شرکت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های عضو بورس نمی‌تواند از درصدی فراتر رود. در این فرایند باید سهم بسیاری از شرکت‌های خوب و سودآور شستا فروخته می‌شد تا در بورس پذیرفته شوند. در حال حاضر یکی از انتقادات همان مراجع به شستا همین موضوع است، چرا که طرفداران این نظریه، حاضر نیستند لوازم و مقتضیات این تصمیم را بپذیرند و اشکالانش را متوجه مدیریت سازمان تأمین اجتماعی و شستامی کنند. وقتی قرار می‌شود سازمان تأمین اجتماعی و شستا شرکت‌داری نکنند و سهم غالب و مدیریتی نداشته باشند، بنابراین نمی‌توان از سازمان و شستا انتظار داشت که در ارتباط با حقوق و پاداش مدیران شرکت‌ها، سفرهای خارجی و تصمیم‌های شرکت‌های مزبور در خصوص تقسیم سود و... مداخله مؤثر داشته باشد و منوبات مجلس، دولت و شورای عالی (هیئت‌امنا) و وزارتخانه متولی سازمان را موبه‌موا اجرا کند. وقتی شستا را مجبور می‌کنیم سهامش را در شرکت‌ها کاهش دهد بایستی بپذیریم که شستا نتواند امربری کند. طی سال‌های گذشته بنابر مصالح پایه سبب برخی احکام مدیریتی و قانونی، سازمان تأمین اجتماعی و شستا سرمایه‌های خود را وارد بازار سرمایه کرده‌اند، اما بعضاً از سوی مراجع تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرایی و نظارتی کشور، لوازم و مقتضیات و ملاحظات این امر مدنظر قرار نمی‌گیرد و به انتظارات و توقعاتی دامن زده می‌شود که به دلیل نبود سهام غالب و مدیریتی در اختیار سازمان و شستا، امکان برآورده شدن آن وجود ندارد. به‌عبارتی اگر می‌گوییم «بنگاه‌داری نه و سهام‌داری آری»، بایستی لوازم و مناسبات آن را هم بپذیریم و با شرکت‌های سهامی عام متعلق به سازمان در بازار سرمایه مانند شرکت‌های صدرصدی و سهامی خاص و ادارات کل برخورد نشود. متأسفانه مجلس و دولت از یک‌سو بر خروج از بنگاه‌داری و عدم شرکت‌داری شستا و سازمان تأمین اجتماعی سخن می‌گویند و از طرف دیگر انتظارات و توقعات مغایر با این رویه را از سازمان و شستا دارند که اگر این لوازم محقق نشود فریاد برمی‌دارند که شستا چنین و چنان است. در حالی که اصول و قواعد بنگاه‌داری و هلینگ‌داری، اقتضای می‌کند که به شستا و توابع آن همانند یک اداره کل دولتی نگاه نشود.